

اثر بخشی آموزش باورهای هوشی بر خود ناتوان سازی تحصیلی دانش آموزان پسر دوره ی متوسطه ی دوم

محمد حسین ابراهیمی ورزنه^۱، فاطمه بیان فر^۲

۱-دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی دانشگاه پیام نور سمنان

۲-استادیار گروه روان شناسی دانشگاه پیام نور

چکیده

این تحقیق با هدف تعیین اثربخشی آموزش باورهای هوشی^۱ بر کاهش خودناتوان سازی تحصیلی^۲ دانش آموزان پسر دوره ی متوسطه ی دوم اجرا شد. روش پژوهش نیمه آزمایشی دو گروهی با پیش آزمون و پس آزمون و جامعه ی آماری پژوهش را دانش آموزان پسر دوره ی متوسطه ی دوم در رشته علوم انسانی تشکیل دادند. از این جامعه آماری، ۳۸ نفر به شیوه تصادفی ساده به دو گروه آزمایش و کنترل (هر گروه ۱۹ نفر) گمارده شدند. آموزش باورهای هوشی طی ۵ جلسه ارائه گردید. ابزار سنجش مقیاس خودناتوان سازی (SHS)^۳ جونز و رودالت (۱۹۸۲) بود. داده های حاصل از اجرای پژوهش از طریق تحلیل واریانس چند متغیره و تحلیل کوواریانس یک راهه تحلیل گردید. نتایج نشان داد که آموزش باورهای هوشی بر خودناتوان سازی کلی و ابعاد خلق منفی و عذر خواهی آن دارای تاثیرات معنی دار است ($p < 0.05$). پیشنهاد می شود این پژوهش را در مناطق دیگر و با فرهنگ های گوناگون تکرار کنند زیرا علاوه بر اینکه قدرت تعمیم پذیری یافته ها را افزایش می دهد، می توان یافته های آنها را نیز باهم مقایسه کرد. شرکت کنندگان این تحقیق، تنها دانش آموزان پسر دوره ی متوسطه ی دوم در رشته ی علوم انسانی بودند که این مساله باعث کاهش حوزه تعمیم دهی نتایج می شود. نتایج این تحقیق برای دست اندرکاران تعلیم و تربیت، مشاوران، روان شناسان و درمانگران کاربرد دارد.

کلید واژه: باورهای هوشی، خودناتوان سازی، دانش آموزان.

مقدمه

^۱-teaching intelligence beliefs

^۲-academic self-handicapping

^۳-self-handicapping scale (SHS)